

شهر آرا

مجله شان

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از SHAHRARANEWS.IR

گزارشی از فعالیت‌های داوطلبانه مردمی برای گذر از روزهای سخت

کرونا و خانه نشینی مردم در اطراف حرم مطهر، دزدی‌ها را کاهش داد

روایت‌هایی از دکتر جعفر نقیبی که همچنان نوغان ۶ بانام او شناخته می‌شود

پای کار کرونا

کمک‌های خودجوش مردمی در روزهای مقابله با کرونا بیشتر قوت گرفته است تا در این تنگنای اقتصادی نیازمندان بیشتر آسیب نینند. همچون گروه جوانان محله جوادیه که ۷۰۰ بسته معیشتی آماده و پخش کرده‌اند و نیروهای مسجد و هیئت آل طاها که برای شادی و سرگرم کردن مردم تلاش می‌کنند...

۲

کساد بازار سارقان

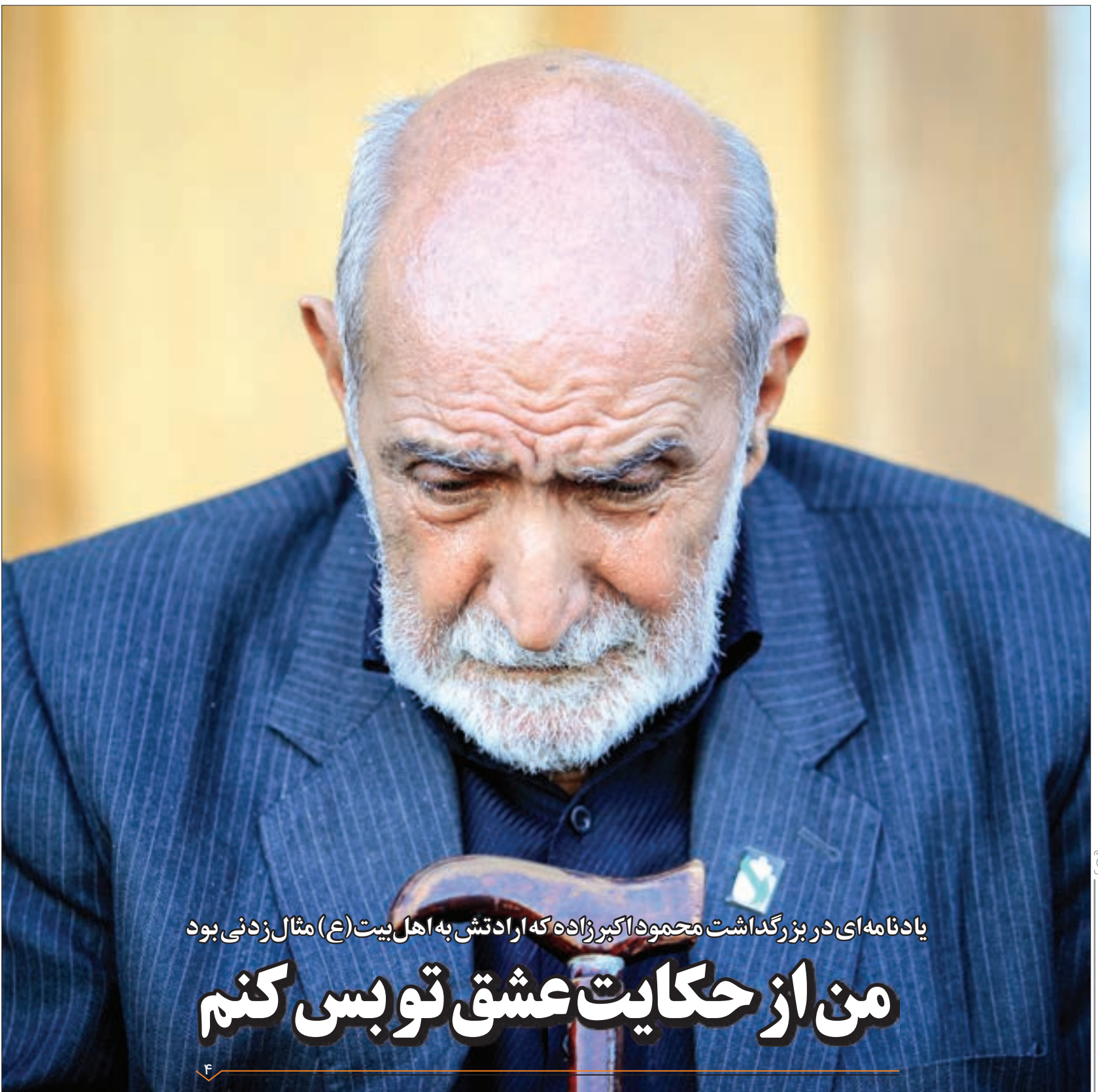
در حالی که سرقت در خیابان‌های اطراف حرم مطهر که بیشتر شامل کیف‌قاپی، موبایل‌قاپی و موارد مشابه است، هر سال در ایام نوروز معضلی برای ۲ کلانتری منطقه ثامن بود، امسال و پیرو کرونا به دلیل خانه نشینی مردم و کاهش زائران، باعث شده است تا آمار سرقت در این محدوده کم شود...

۳

ماندگار در یادها

محله نوغان علاوه بر اینکه اتفاق‌های ریز و درشت زیادی را طی سال‌ها از سر گذرانده است، افراد صاحب نام زیادی را نیز به خود دیده است. افرادی چون دکتر نقیبی که مردم به پاس خدمات ارزنده‌ای که به محله نوغان داشته است، کوچه‌ای را به نامش کرده‌اند...

۴



یادنامه‌ای در بزرگداشت محمود اکبرزاده که ارادتش به اهل بیت (ع) مثال زدنی بود

من از حکایت عشق تو بسی کنم

۴



گزارشی از فعالیت‌های داوطلبانه مردمی برای گذر از روزهای سخت

پای کار کرونا

۷۰۰ خانوادگی کم‌بضاعت شود. خانواده‌هایی که تنگناهای زیادی را در روزهای کرونا تحمل می‌کنند.

ساخت کلیپ برای نشان دادن فدکاری‌ها

کمک‌های داوطلبانه در اطراف حرم مطهر فقط در گروه‌های کمک‌رسان معیشتی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل کارهای فرهنگی که روحیه مردم را خوب کند هم هست. بچه‌های هنر مند و فعال مسجد آل طاهان نیز در ایام کرونا بیکار ننشستند و بایک پرده کروماتیک کارستان کردند. سید کاظم روحبخش، مسئول رسانه جبهه مردمی مساجد انقلاب اسلامی مشهد، درباره این اقدام گروهش می‌گوید: «قبل از شیوع ویروس کرونا بچه مسجدی‌های آل طاهان فعال بودند. آن‌ها در هر زمینه‌ای کار می‌کردند؛ روان‌شناسی، کارهای فرهنگی... اما با شیوع این ویروس یک تیم‌شش نفره تصمیم گرفتند حالا که قرار است مردم در خانه بمانند، پس بهتر است جانفشانی و فدکاری عده‌ای را در برابر این ویروس ببینند. این ایده اولیه بایک کلیپ طنز جلویک پرده کروماتیک ساده پرورش یافت. استقبال خوبی هم از این کلیپ در سطح مجازی صورت گرفت و بیش از ۳۰ هزار بازدیدکننده داشت. این کلیپ در رسانه استانی و ملی هم به نمایش درآمد. این موضوع باعث انگیزه بیشتر برای بچه‌ها شد و با تجهیز استودیوی مسجد با

جوادیه انجام شده است، تهیه و توزیع بسته‌های خوراکی و فرهنگی برای افراد نیازمند و سرپرست خانوارهایی است که در ایام کرونا خانه نشین شده‌اند. این افراد را محمد جوادی نوبخت رهبری می‌کند. او اعتقاد دارد این روزها حتی در حد اندک باید یاریگر مردم بود: «قرار بود در حد توانایی‌هایمان چند بسته اقلام ضروری و اولیه خوراکی تهیه کنیم و به چند خانواده نیازمند بدهیم، اما این اقدام ما به گوش خیلی‌ها در محله جوادیه رسید و خیران محلی پای کار آمدند و این بسته‌ها به ۵۹۰ بسته افزایش یافت.» آن‌طور که او می‌گوید، در این بسته‌ها ۱۱ کالا اصلی و اولیه شامل مرغ، تخم مرغ، رب، ماکارونی، سویا، چای، قند و... قرار دارد. نوبخت که رساندن این بسته‌ها به دست نیازمندان را با همراهی گروهش از چند هفته قبل آغاز کرده است، اضافه می‌کند: «سعی کردیم کالایی‌هایی که یک خانواده نیاز دارد، به مقدار کافی در این بسته‌ها باشد. البته اقلام فرهنگی از جمله سی‌دی‌های آموزشی هم در این بسته‌ها دیده شده است.» طبق گفته‌های او، ۲۰ سرگروه در محله و حتی حاشیه شهر این بسته‌ها را توزیع می‌کنند. بیشتر بسته‌ها در بین افرادی که همین سرگروه‌ها شناسایی کرده‌اند، توزیع می‌گردد.

او از آغاز اقدامات برای تهیه ۱۱۰ بسته اقلام غذایی دیگر در هفته‌های آینده توسط همین گروه و خیران مردمی هم خبر می‌دهد تا کمک‌هایشان شامل

در مدتی که ویروس کرونا قاره‌ها را یکی پس از دیگری می‌پیماید، گروه‌ها و افراد زیادی در خط مقدم مقابله با این ویروس هستند؛

از کادر درمانی و پرستاران بگیرد تا نیروهای خودجوش مردمی. نیروهایی که به فراخور نیاز محله و محدوده زندگی‌شان دست به اقدامات بزرگی زده‌اند. شمار این گروه‌های مردمی در اطراف حرم مطهر هم کم نیست. اگر از حرکت خودجوش نیروهای مسجد و هیئت آل طاهان که برای شادی و سرگرم کردن مردم تلاش می‌کنند بگذریم، به گروهی از جوانان محله جوادیه می‌رسیم که با جمع‌آوری مایحتاج روزانه به فکر نیازمندان و اقشار کم‌درآمد محله‌شان و محله‌های اطرافشان بوده و هستند. این هفته‌گوشه‌ای از اقدامات خودجوش مردمی اطراف حرم مطهر را برایتان بازگویی کنیم و گفت‌وگویی خواهیم داشت با ۲ سرگروه که هر کدام در ۲ جبهه مختلف ولی بایک هدف مشترک فعالیت می‌کنند.

توزیع ۷۰۰ بسته اقلام ضروری

یکی از اقدام‌های چشمگیر مردمی در اطراف حرم مطهر که به صورت خودجوش توسط جوانان محله

۵۲

منشادی

خبرنگار شهرآرامحله

«

با کمک‌های مردمی ۷۰۰ بسته شامل کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده‌هایی نیازمندان توزیع شد

»

وظیفه مهم امروز ما

حرف اول



رضا سلیمان‌نوری
رئیس هیئت‌مدیره
انجمن توسعه گردشگری
چهارباغ خراسان

۳۱ فروردین ۱۳۶۶ شمسی روزی تلخ در تاریخ خراسان است. روزی که در آن مردی با این جهان خدا حافظی کرد که اندیشه‌ورزی و روشن‌فکری دینی نه در خراسان، بل در ایران برای همیشه مذبذب اوست. مردی با نام محمدتقی

شریعتی، یا اگر بخواهیم بهتر بگوییم، استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، زاده مزینان سبزواری اما درس آموخته و بزرگ‌شده مشهد؛ آن هم در حدی که مرجع عظیم‌شانی چون آیت... العظمی بروجردی آن هنگام که با وی در لباسی غیر روحانی مواجه شد، خواستار آن شد که استاد به لباس روحانیت برگردد، زیرا که آینده درخشانی در حوزه در انتظارش است و در آینده می‌تواند از زعمای حوزه‌های علمیه شود. در خواستی که با مخالفت استاد مواجه شد. آن هم به دلیلی تا آن اندازه محکم‌پسند که آیت... بروجردی از درخواست خود کوتاه آمده و آنچه استاد برای آینده خود ترسیم کرده بود را برای عموم جامعه اسلامی مفیدتر از بازگشت محمدتقی شریعتی به لباس روحانیت بداند. استاد نقل به مضمون خطاب به آیت... بروجردی گفت که احساس می‌کنم با توجه به شرایط کنونی جامعه و فشار افکار نادرست و عقاید ناراست به اسلام از هر سو بانکار گذاشتن عبا و عمامه و مکل شدن سخنش در نسل جوان نفوذ بیشتری خواهد داشت و بهتر می‌تواند از دین مردم در مقابل افکار الحادی و البته تفکرات بسته‌دینی حمایت کند. اندیشه‌ای که استاد بر اساس آن اندکی بعد هم مجموعه تاریخ‌ساز خود، یعنی کانون نشر حقایق دینی، را پایه‌گذاری کرد. کانونی که استاد هم‌راه با تعدادی از هم‌فکران خود در آن از یک سو به جنگ عقاید انحرافی که خواستار حذف دین از زندگی مردم بودند و در آن زمان عقاید کمونیستی زیر سایه نفوذ همسایه شمالی و فعالیت‌های حزب توده در رأس آن‌ها قرار داشت، رفته بود و از دگر سوسو تلاش می‌کرد تا حد امکان از زوایدی که به اصل دین در طول زمان و در چارچوب اندیشه‌های خرافی افزوده شده بود، بکاهد و واقعیت دین نبوی و شیعیه علوی را به مخاطبان تشنه و اغلب جوان کانون عرضه کند.

مخاطباتی که در سال‌های بعد بسیاری از آن‌ها با هم به رهبری استاد و البته این بار بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های فرزند پرورمند او، دکتر علی شریعتی که خود پرورش یافته کانون بود، در صفت مبارزان علیه رژیم پهلوی قرار گرفتند و با حضور در صحنه نه تنها عاملی مهم در به سرانجام رسیدن انقلاب اسلامی بودند که در سال‌های بعد هم بانثار خونشان در دفاع از میهن اسلامی نشان دادند که هیچ چیز مهم‌تر از اعتقاد قلبی به اسلام ناب محمدی و اندیشه پاک تشیع علوی نیست. و اما اکنون هر چند دیگر نه استاد شریعتی و نه فرزند پرورمندش دکتر علی شریعتی و نه بسیاری از نیروهای اولیه و خط مقدم کانون نشر حقایق دینی به عنوان مرکزی که استاد با استفاده از آن به پرورش جوانان مبارز پرداخت، در قید حیات نیستند، هنوز بنای اولیه کانون سرپا و مستحکم به حیات خود ادامه می‌دهد. بنایی که اگر اندکی به سر و وضعش رسیدگی شود، می‌تواند بار دیگر باتوقی خوب و مطمئن برای اندیشه‌ورزی و تعلیم و واقعیت اسلام به جوانان جویای فکر و اندیشه باشد. و درست همین امر وظیفه مهمی را بر دوش مافرا داده است. فقط اندکی همت لازم دارد. همتی که امیدوارم به زودی شاهد بروز آن از سوی مسئولان امر، حال چه شهرداری و شورای شهر مشهد و چه آستان قدس و حتی اداره کل ارشاد یا حتی علاقه‌مندان به استاد باشیم، تا بار دیگر این مرکز پرورش انسان به روزهای اوج خود آن‌گاه که استاد محمدتقی شریعتی در آن به تفسیر قرآن و بیان واقعیت ناب دین اسلام می‌پرداخت، بازگردد. ■

از نگاه دوربین

شهرآرا

مجسمه‌های بانشان

دیگری زیاتر شدند. زیبایی که با کاشت بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار شاخه گل و نصب ۱۰ المان جدید به وجود آمده بود. درحقیقت میان همه ریسندگی‌ها، گل‌کاری‌ها، نقاشی‌ها... مجسمه‌ها تغییر چشمگیری نسبت به سال‌های گذشته دارد؛ آن هم به دلیل بانشان بودنشان است. مثل مجسمه «خدمت به مادر» که به نشانه احترام به والدین در خیابان شیرازی نصب شد. همچنین «مادر دعاگو» که نشانی از زیارت دارد و دعا به درگاه ولی نعمتان امام رضا(ع) و «پسرک و آهو» که گریزی می‌زند به مهربانی‌های امام هشتم(ع). ■

«خدمت به مادر»، «مادر دعاگو» و «پسرک و آهو» جزو بهترین مجسمه‌های نوروزی هستند که امسال میهمان خیابان‌های مشهد شده‌اند؛ مجسمه‌هایی که در قالب المان ۱۰ روز

مانده به عید در خیابان‌های منتهی به حرم مطهر جانمایی شدند. به گزارش شهرآرامحله، خیابان‌های اطراف حرم مطهر که به دلیل بیماری کرونا و فاصله‌گذاری اجتماعی خلوت‌ترین روزهایشان را در تاریخ ثبت کردند، از هر زمان

۵۴

نظامی



قالب طرح «سفره مهریانی» طی هفته آینده توزیع می شود و شامل مواد غذایی، لوازم بهداشتی و اقلام فرهنگی است. وی به دیگر محورهای فعالیت بنیاد کرامت حرم مطهر از آغاز شیوع کرونا هم اشاره کرد و افزود: استفاده از مدافعان افتخاری سلامت رضوی در بیمارستان ها، ضد عفونی محلات، معابر، پمپ بنزین ها، توزیع بسته های مواد غذایی و... است. ■

هم زمان با فرارسیدن ماه رمضان ۵۰ هزار بسته کمک معیشتی از طرف حرم مطهر توزیع می شود. به گزارش شهر آرام، مدیر عامل بنیاد کرامت رضوی، با اعلام این خبر گفت که در حمایت از اقشار محروم و کاستن از اثرات ناشی از شیوع ویروس کرونا در کشور، این بسته های معیشتی بین محرومان مشهد توزیع خواهد شد. طبق گفته های او، این بسته های معیشتی در



کرونا و خانه نشینی مردم در اطراف حرم مطهر دزدی ها را کاهش داد

کساد بازار سارقان

عکس ژوئینی است



ایده جدید با یک دور بین به سطح شهر رفتند و از قاب دور بین سایر اقدامات جهادی و مردمی را که کم هم نبودند به تصویر کشیدند. «وی ادامه می دهد: نتیجه این تلاش ها تولید ۴ کلیپ در عرض ۱۰ روز با محتوای نوجوان و خانواده و با محوریت «کرونا اشکست می دهیم» بود. روحبخش در ادامه صحبت هایش به این موضوع اشاره می کند که ویروس کرونا باعث شناخت هر چه بهتر و بیشتر نیرو های هنرمند و فعال محله شد.

او این موضوع را یک فرصت می داند و می گوید: «با افزایش کار و ایده های جدید، افرادی از سطح محله را شناسایی کردیم که هر کدام در یک زمینه فعالیت می کردند و تخصص داشتند و تیم شش نفره به یک گروه قدرتمند هنری تبدیل شد. در واقع این گروه در فرصتی که کرونا به ما داد، گرد هم آمد. یک تیم خواران هم در این ایام پای کار آمدند. این تیم هم موضوع های مربوط به زنان را پیگیری می کنند. به طور مثال اقداماتی که زنان در این ایام می توانند انجام دهند، دوختن ماسک و استریل کردن آن ها بعد از دوخت، گرفتن آب میوه زیر نظر اداره بهداشت برای افراد بستری و همچنین کار های روان شناسی برای کادر درمانی و بهداشتی است.»

وی ادامه می دهد: «۳ کار دیگر هم با همین گروه در راه است. این کلیپ ها اقدامات خودجوش مردمی را به مناسبت نیمه شعبان به تصویر می کشد که شامل مساجد کی که اقلام ضروری و مورد نیاز مردم را خریداری کرده اند، کاروان های مولودی خوانی ماشین و پخش مصاد ضد عفونی کننده در منازل است.» ■

۳ ملک خانی

در حالی که سرقت در خیابان های اطراف حرم مطهر که بیشتر شامل کیف قاپی، موبایل قاپی و موارد مشابه است، هر سال در ایام نوروز معضلی برای ۲ کلاتتری منطقه ثامن بود، امسال ویروس کرونا به دلیل خانه نشین کردن مردم و کاهش زائران، باعث شده است تا آمار سرقت در این محدوده کم شود. طبق آمارهایی که از نهادهای انتظامی این محدوده اعلام شده، در این مدت ۷۰ درصد سرقت و جیب بری ها کم شده است. شهر آرام محله در این شماره برای واکاوی این موضوع به سراغ مسئولی در کلاتتری شهید نواب صفوی و چند تن از اهالی ساکن در بالا خیابان و پایین خیابان رفته است.

● افزایش گشت زنی های پلیس

ساکن قدیمی محله پایین خیابان با اشاره به اینکه هر سال در ایام نوروز جیب برها و سارقان به دلیل زوار و مسافر زیادی که به مشهد می آمد، به این محدوده می آمدند و این منطقه را ناامن می کردند، می گوید: هر سال آمار سرقت ها زیاد بود. بیشترین سرقت هم به جیب بری و سرقت از منازل محل مربوط می شد. زیرا در ایام عید مردم به

مسافرت می رفتند و مسافر زیادی به مشهد می آمد و موبایل قاپی و جیب بری زیاد می شد. از همین رو با وجود تلاش های زیاد پلیس، باز هم این ۲ موضوع باعث می شد خیابان های اطراف حرم مطهر ناامن جلوه کند.

خطیب ادامه می دهد: امسال عید با توجه به قرنطینه خانگی مردم جرم و بزه خیلی کم شد، ضمن اینکه در این روزها پلیس هم شدت عمل بیشتری به خرج داده است و تعداد گشت زنی ها را بیشتر کرده است. آمار دقیقی ندارم، اما آن طور که دیده و شنیده ایم، سرقت کم شده است و مسلما آمارها نشان دهنده این موضوع خواهد بود.

● خفت گیری در کوچه های فرعی

در حالی که در محله پایین خیابان اوضاع به نسبت آرام است، در محله نوغان و بالا خیابان اوضاع کمی نا آرام است. طبق شنیده های محلی با خانه نشینی مردم و نبود مسافر، سر و کله گروهی دیگر از سارقان یعنی خفت گیرها پیدا شده است که در کوچه پس کوچه های این ۲ محله پرسه می زنند. در این رابطه شاهی، یکی از قدیمی های این محله، می گوید: متأسفانه در این محدوده خفت گیری زیاد شده است. من چندین بار از اهالی شنیده ام که موتور سواران در کوچه پس کوچه ها مزاحم مردم شده اند یا حتی آن ها را خفت گیری کرده اند.

کلاتتری شهید آستانه پرست گشت زنی در این ایام را دو برابر کرده است و گشت زنی های شبانه با غروب خورشید آغاز می شود، اما باز هم این افراد وجود دارند و مشکلاتی را برای اهالی و ساکنان به وجود می آورند.

● ۷۰ درصد سرقت و بزه ها کم شده است

این موارد در حالی است که طبق اعلام کلاتتری شهید نواب صفوی جرم و بزه در محدوده اطراف حرم مطهر در ایام نوروز امسال نسبت به سال های گذشته کاهش بی سابقه ای داشته است. در گزارش این کلاتتری آمده است که از زمان شیوع بیماری و در خانه ماندن افراد، کاهش سرقت به صورت روزانه در منطقه محسوس است. این کاهش در نتیجه تلاش و اقدامات مؤثر پلیس و همکاری مطلوب مردم بوده است که باعث سیر کاهش جرم از ابتدای امسال تاکنون می شود. آن طور که در این گزارش بر آن تأکید شده است، امسال نسبت به سال های گذشته به دلیل در خانه ماندن مردم، کم شدن حمل پول نقد و موارد مشابه در برخی از جرائم از جمله کیف قاپی و سرقت از منازل کاهش چشمگیری دیده شد؛ به طوری که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۰ درصد کاهش جرم از جمله سرقت در محلات این محدوده ثبت شده است. ■





یادنامه‌ای در بزرگداشت محمود اکبرزاده که ارادتش به اهل بیت (ع) مثال زدنی بود

من از حکایت عشق تو بس کنم

گل دفتر

۵۶

فاطمه شوشتری
دبیرشهرآرامحله

خبر درگذشت محمود اکبرزاده (شاعر، نویسنده و نوحه‌خوان) شاید هیچ‌کدام از دوست‌دارانش را شوکه نکرد، گویی همه در اضطرابی کشنده و جانکاه این ضایعه محتوم را بعد از بستری شدن او در بیمارستان به دلیل عفونت ریه انتظار می‌کشیدند، اما با وجود مسلم شدن این موضوع، همه این دوست‌دارانش و هرکه او را ذره‌ای می‌شناخت، از اینکه او دیگر نباشد، غصه‌دار بودند؛ چراکه تا دلتان بخواهد مخلص بود، خوب می‌فهمید و می‌دانست. مردی که حافظه انجمن‌های شعر و مداحی مشهود بود، اما نه ادعای شاعری داشت و نه تحصیل کرده

آن‌چنانی بود. او ۵ کلاس بیشتر درس نخوانده بود. با وجود این، ذوق سلیمی داشت در دیدن و برگزیدن که نتیجه آن شده بود سرودن چندین شعر و تألیف ۴ کتاب آیینی. کتاب‌هایی به نام «علی، راز ناشناخته»، «حسین، پیشوای انسان‌ها»، «زهر، گلبنگ عفاف» و «امام‌زمان (عج)» که مشهورترین آن‌ها «حسین، پیشوای انسان‌ها» است که سال‌ها قبل از کتاب «حماسه حسینی» استاد مطهری منتشر شده و به تیراژ بیستم رسیده است. کتابی که هنوز چاپ اولش تمام نشده بود، مرحوم استاد محمدتقی شریعتی برای نشان دادن عظمت این کتاب بر آن مقدمه‌ای نوشت.

البته اکبرزاده جز شاعری، مرثیه‌سرایی و نویسندگی سابقه‌های

دیگری هم داشت. ۷۵ سال نوحه‌خوانی و مداحی، لقب پیرغلام اهل بیت (ع) را به او داده بود. سال‌هایی که از بابت این روضه‌خوانی‌ها حتی یک‌ریال هم از هیچ‌کس و هیچ‌جایی نگرفت؛ تا امروز ارادتش به اهل بیت (ع) مثال زدنی باشد. در قالب یادنامه در این شماره شهرآرامحله بعد از گذشت ۱۰ روز از فوت محمود اکبرزاده در سن ۸۷ سالگی، به گوشه‌ای از داستان شیدایی و دلدادگی او با انتشار خاطراتش که در زمان حیاتش برایمان نقل کرد و همچنین گفت‌وگو با یکی از ۷ فرزندش (کاظم اکبرزاده) می‌پردازیم که همه حرفش از ارادتش به اهل بیت (ع) این جمله بود: «من از حکایت عشق تو بس کنم»

● مدیون حاجی آذر

داستان محمود اکبرزاده با نوحه‌خوانی در ده‌سالگی آغاز می‌شود و بعداً به سمت نویسندگی و شاعری و مرثیه‌سرایی سوق پیدا می‌کند. داستانی از کودکی و نوجوانی که وقتی در زمان حیاتش برایمان تعریف می‌کرد، با وجود گذشت سال‌ها، همه چیز برایش تازگی داشت. انگار همین دیروز بود. همه لحظات نخستین نوحه‌خوانی‌هایش را در ۷۵ سال قبل با جزئیات به یاد می‌آورد و با خواندن شعری از مرحوم حاجی آذر که در جوانی از او آموخته بود، مداح شدن و مسیر زندگی‌اش را مدیون او می‌خواند و می‌گفت: سال ۱۳۱۲ در محله نوغان پایین خیابان به دنیا آمدم. ۸ سال بیشتر نداشتم که پدرم از دنیا رفت و تحت تکفل پدر بزرگم در آمدم. هیچ‌کدام از اعضای خانواده‌ام سواد چندانی نداشتند. مادرم که اصلاً سواد نداشت، آدم‌های معمولی بودند. پدرم هم که خباز (نانوا) بود، همین‌طور. وارد ده‌سالگی که شدم برای یادگرفتن خواندن و نوشتن من را در دارالتعلیم تدین ثبت‌نام کردند. آنجا کلا چهار، پنج کلاس خواندم و بیرون آمدم. البته آن موقع کنار درس دنبال نوحه‌خوانی هم بودم. هر چند وقت یک‌بار به حسینیه خبازها که هیئت با نام خاتم النبیین داشتند می‌رفتم و برایشان می‌خواندم. برای هیئت‌ها هم خواندن یک پسر بچه ده، یازده‌ساله تازگی داشت و جذاب

بود؛ آن‌هم در دورانی که مشهد سه، چهار نوحه‌خوان بیشتر نداشت. آقایان تجویدی، مصباح و کرمانشاهی جلو منبر می‌ایستادند و شعر می‌خواندند. به همین دلیل کار من خیلی زود گرفت. چندسالی همین‌طور گذشت تا اینکه در سن هجده یا بیست‌سالگی با مرحوم حاجی آذر که خودش نوحه‌خوان و شاعر بود، همسایه شدم. مرحوم در دروازه‌قوچان مغازه آردفروشی داشت؛ درست چسبیده به مغازه من. بیشتر اوقات روزمان با هم می‌گذشت و حتی نهارمان سر یک سفره بود. شعر که می‌گفت، من را صدا می‌کرد تا نظر بدهم. یک روز گفت محمود بیا شعری برای حضرت زهرا (س) ساختم. خوب یادم هست ۱۶ بیت مخمس بود. یک‌بار شعر را نگاه کردم و دادم دستش. وقتی به مغازه خودم برگشتم، دیدم کل شعر حاجی را با یک‌بار خواندن حفظ شده‌ام.

از قضا شب همان روز آقای خسرو، شاعر معروف مشهد، داماد می‌شد و من هم به مجلسشان در انتهای بازار سرشور دعوت شده بودم. آن شب به من گفتند محمود بلند شو شعری بخوان. من هم همان شعر حاجی آذر در باره حضرت زهرا (س) را از حفظ خواندم. شاید باورتان نشود، دهن‌ها باز مانده بود. وقتی تمام شد، حاجی آذر گفت: «تو این شعر را از کجا حفظ کردی؟ من هر لحظه فکر می‌کردم الان در

خواندن یک بیتش می‌مانی یا اشتباه می‌کنی.» در جوابش گفتم همان یک‌بار که داخل مغازه خواندم، حفظ شدم. از همان زمان فهمیدم که حافظه خوبی در حفظ شعر دارم. اصلاً رسم در آوردن کتاب و دست‌نویس هم نداشتم. به خاطر همین حافظه در شعرخوانی و دانستن هزاران بیت از افراد مختلف بود که آن زمان در سن نوجوانی و جوانی خیلی معروف شدم.

● کتاب‌خوان بودم که کتاب‌نویس شدم

حاج محمود اکبرزاده با وجود سواد کم، ذوق زیادی در دیدن و برگزیدن داشت. برای همین هر کتاب خوبی که تعریفش را می‌شنید یا نویسنده‌اش را می‌شناخت، می‌خرید و مطالعه می‌کرد. کتابخانه بزرگ داخل منزلش هم گواه همین روحیه اوست. کتابخانه‌ای که خودش آن را تجهیز کرده بود و می‌گفت: شاید باور نکنید که من همه کتاب‌های نویسنده‌های مشهور ایران را از دکتر شریعتی بگیرم تا جلال‌آل احمد را نه یک‌بار که چندین بار خوانده‌ام. از سر همین کتاب‌خوانی هم کتاب‌نویس شدم. اولین کتابی را که تألیف کردم «علی، راز ناشناخته بود». دومین کتاب را که معروف‌ترین کتابم هست، بانام «حسین، پیشوای انسان‌ها» نوشتم با این مقدمه که «از حسین اکتفا به نام حسین، نبود در

خور حسین، بلکه باید که خلق در یابند، علت اصلی قیام حسین». این کتاب را سال ۱۳۴۳ در تهران منتشر کردم و بلافاصله استاد محمدتقی شریعتی بر آن مقدمه‌ای نوشت. در کتاب‌های دیگری هم که منتشر کرده‌ام، بیشتر شعر شاعرهای آیینی را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده‌ام. شعرهایی که بیشتر آن‌ها را می‌توانم از حفظ بخوانم. به خاطر همین بیشتر شب‌شعرها هم من را دعوت می‌کنند؛ از مشهد گرفته تا شیراز، اصفهان، تهران و... خوب یادم هست در یکی از همین شب‌های شعر که در حسینیه ارشاد برای پیامبر (ص) برگزار می‌شد، دعوت بودم. آن روز از یزد راهی تهران شدم و در راه ۲۲۰ بیت از شعر یکی از شاعرها را که قرار بود در همین جلسه برای اولین بار خوانده شود، با چندبار از رو خواندن حفظ کردم.

● بازخواست ساواک برای شعرخوانی

حاجی اکبرزاده چندین بار به دلیل شعرخوانی، نوحه‌خوانی و انتشار کتاب‌هایش توسط ساواک بازخواست شده است. روزهایی که در بیان یکی از آن‌ها خودش به خاطره روز فوت همسر طاهر احمدزاده، نخستین استاندار بعد از انقلاب، گریزی زد و این‌طور برایمان تعریف کرد: زمانی که همسر مرحوم طاهر احمدزاده فوت کرد، پیکرش را برای دفن به

گفت و گو با کاظم اکبرزاده

مردی که عده



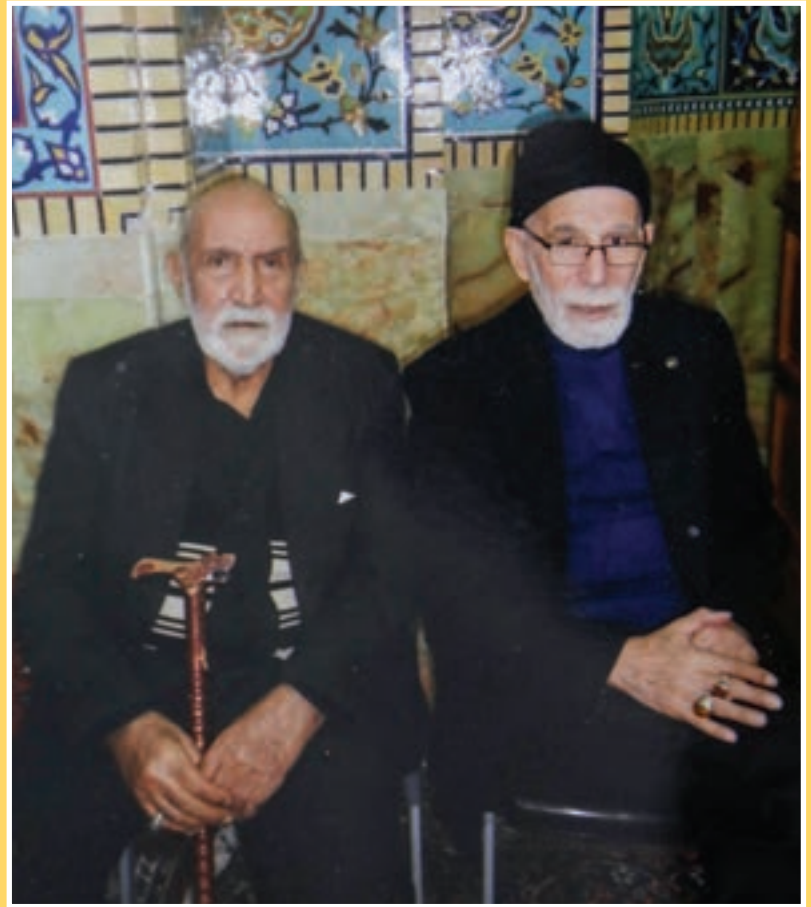
«پدر بسیار صبور و ساده‌زیست بود.» با این توصیف از پدر سر صحبت را باز می‌کنند تا از یک عمر خاطره بگویند؛ خاطراتی که با تازگی داغ فوت پدر چشمانش را بارانی می‌کند و اشک‌ها بر گونه‌هایش می‌لغزد. کاظم که همچون پدر و سایر برادرانش مداح است و این روزها ریاست کانون مداحان استان و دبیری کانون مداحان مشهد را بر عهده دارد، به نمایندگی از ۷ فرزند مرحوم اکبرزاده و خانواده‌شان مقابل ما می‌نشیند برای گفت‌وگو درباره مرحوم پدرش و سال‌ها زندگی در کنار او که همه برایش درس بود و خاطره.

● همانی بود که بر زبان می‌آورد

کاظم اکبرزاده شاخص‌ترین ویژگی‌های پدر را در ساده‌زیست و صبور بودن می‌داند: پدر همیشه آنچه‌را که از

مرحوم محمود اکبرزاده شعرهای زیادی ندارد، اما با وجود اینکه سواد اندکی داشت در نقد شعر و تشکیل و اداره انجمن های ادبی شعر بسیار فعال بود. آن طور که محمد کاظم کاظمی، عضو گروه علمی برون مرزی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفته است، او مجموعه کاملی از شعر، ادب، ولایت و ایمان بود و بر افراد نزدیک خود به عنوان یک فرد جامع الاطراف تأثیر

زیادی می گذاشت. وی با اشاره به اقبال لا هوری به عنوان یک شاعر روشن فکر، ادامه داد: مرحوم اکبرزاده ارادت خاصی به اقبال لا هوری داشت و شعرهای زیادی از او می خواند. کاظمی یاد آور شد: مرحوم اکبرزاده هم با شاعران آیینی و مذهبی محشور بود و هم با افراد روشن فکری مانند جلال آل احمد و اندیشمندی مانند دکتر شریعتی ارتباط داشت.



مناسبت در حرم مطهر نوحه سرایی می کرد. بعد از فوتش هم حجت الاسلام والمسلمین مروی با انتشار پیامی ضمن عرض تسلیت، از خادمی او گفته و اشاره کرده بود که این خادم اهل بیت (ع) فردی مخلص و انقلابی بود و اشعاری پر مغز، با محتوا و برآمده از دل می خواند که خاطره شیرین آن هیچ گاه از یادها نخواهد رفت.

او خادم کشیک هفتم بود و این اواخر به دلیل کهولت سن آستان قدس رضوی برای او جانشین انتخاب کرده بود، با وجود این بیشتر مواقع خودش در کشیک حاضر می شد. البته او جز خادمی، ۳ دوره چهار ساله رئیس کانون مداحان آستان بود و تا لحظه فوتش هم سمت ریاست کانون مداحان مشهد را داشت.

و می گفت: محمود تو که هنوز خوابی! چرانمی روی؟ می گفتم مادر خودت گفتی نرو. آخرین جوابش هم این بود که بلند شو برو، یک ملت معطل تو هستند. البته بعدها متوجه شدم خوابی دیده است و دلش راضی نمی شود که من از اهل بیت (ع) شعر بخوانم.

● ۳۶ سال نوکری ارباب

مرحوم حاج محمود اکبرزاده خودش را نوکر امام رضا (ع) می دانست و افتخارش ۳۶ سال خادمی در حرم مطهر بود. آن طور که خودش در گذشته نقل می کرد، به عنوان نوحه خوان در سال ۱۳۶۳ وارد حرم مطهر شده و بعد از گذشت مدتی عنوان خادمی را گرفته بود. خادمی که در هر

بدون استثنا از مادرش می گفت و با خنده تعریف می کرد: خدا بیامرز مادرم هم به نرفتن و هم به رفتن من در هیئت ها اصرار داشت. خوب یادم هست از همان دوران نوجوانی چون برای نوحه خوانی یا شعر خوانی در جلسات زیادی شرکت می کردم، شب ها دیر وقت به خانه بر می گشتم. هر دفعه هم مادرم می گفت: محمود به من بگو به جز تو این موقع شب کس دیگری هم در کوچه و خیابان هست؟! هر دفعه هم من با خنده می گفتم نه.

چندباری که از این دیر آمدن هایم کفری شده بود، گفت دیگر راضی نیستم بروی هیئت و نوحه بخوانی. من هم گفتم به روی چشم مادر، از فردا دیگر نمی روم، اما هنوز آفتاب نرزه بود، بالای سرم می آمد و اصرار می کرد به رفتن

حرم مطهر امام رضا (ع) آوردند. از من در حرم خواستند که جلو بیکر ایشان چند بیت شعر بخوانم و من هم خواندم. ۲ روز از این واقعه نگذشته بود که ساواک دستگیرم کرد و برای بازجویی نزد مردی به نام غضنفری برد. غضنفری آدم مزخرف و بددهنی بود. هر چه از دهنش درآمد بار من کرد و در آخر هم به خاطر اینکه دیگر کتابی منتشر نکنم نوحه و شعری نخوانم، از من تعهد گرفت. واقعا هم فضا همین جور بود. چه کسی می توانست شعر بخواند؟ البته بعد از این قضیه من کارهایم را ادامه دادم و تا می گفتند ساواک آمد، فرار می کردم.

● اصرار مادر

وقتی صحبت از خاطرات گذشته می شد، مرحوم اکبرزاده

در این خصوص تذکری نمی داد و اگر عزاداری مجلسی به این نحو بود، مجلس را بدون اینکه کسی را برنجاند، ترک می کرد. اعتقادش این بود که خواندن فقط صوت نیست، بلکه باید دلی باشد. برای همین وقتی خودش مرثیه ای می خواند، واقعا از درون می سوخت و اشک واقعی می ریخت و ادا در نمی آورد.

● مقید به کنار هم بودن

مرحوم اکبرزاده حدود ۸ سال قبل همسرش را از دست داده بود و این سال ها تنها زندگی می کرد. پسرش در این باره می گوید که مادرش همیشه همراه پدرش بوده است: خود حاج آقا هم همیشه قدر دان مادرم بودند و می گفتند خدازن قانع و زندگی دوست و همراه خوبی به من داده است. البته مادرم واقعا همراه بودند. خوب یادم هست پدرم همیشه شب ها همچون خاطره ای که خودشان هم از جوانی شان تعریف می کردند، به دلیل حضور در جلسات نقد شعر، نوحه خوانی و... دیر به خانه می آمدند. با وجود این، نه تنها مادرم خرد نمی گرفتند، بلکه تا لحظه ای که بیایند بعد از رسیدگی به بچه ها پشت در منتظر می نشستند.

او ادامه می دهد: تأکید پدر در زندگی هم همین دور هم بودن بود و تا آخرین لحظه می گفت نکند خدای ناکرده از هم جدا شوید. باید همیشه به کنار هم بودن مقید باشید.

همین دلیل در ۷۵ سال نوحه و روضه خوانی از هیچ کس و هیچ جای پول نگرفت.

● کتاب خوان حرفه ای

فرزند مرحوم اکبرزاده پدرش را شیفته کتاب می داند: هر چند که سواد چندان بالایی نداشت: شاید باورتان نشود که بیشتر مواقع بیکاری کتاب می خواندند. حتی این اواخر که سنشان بالا رفته بود و خواندن و نوشتن کمی برایشان سخت شده بود، باز هم هر وقت به خانه شان می رفتیم، در حال مطالعه کتاب بود. کتاب خوان حرفه ای بود. همیشه هم می گفت همچون برخی از مداح ها نباشید که بدون مطالعه مداحی می کنند. کتاب بخوانید تا خوب مداحی کنید.

● سبک جدید مداحی را زیاده نمی پسندید

پدر از همان قدیم تازمانی که می خواند، سبکش سنتی بود. البته با سبک های جدید خیلی مخالف نبود، اما در مجموع سبک جدید مداحی را که بالا و پایین می پرند و... نمی پسندید و می گفت: این سبک خواندن و عزاداری با هدف اهل بیت (ع) سازگاری ندارد. البته به برخی از اشعار مداحان هم خرده می گرفت و می گفت سطحشان پایین است و از آنجا که دوست نداشت کسی را ناراحت کند،

درباره منش و سبک زندگی پدر

عصبانی نمی شد

کوکچک در سن جوانی فوت کرد، پدر و مادرم سنگین ترین شکست را در زندگی شان متحمل شدند. به خصوص حاج آقا؛ چون احمد چند سالی با آن ها زندگی می کرد و در مغازه هم شاگردش بود. او هر طور بود، با این داغ کنار آمد و به عنوان ذاکر اهل بیت (ع) از جوانان امام حسین (ع) می خواند و این داغ را با آن داغ تسکین می داد.

● ۷۵ سال رایگان نوحه خواند

مرحوم اکبرزاده طبق گفته های پسرش نخستین شغلش علافی (برنج و گندم فروشی) بوده است که بعدها به مصالح فروشی تغییر کرده و تنها محل درآمدش هم تا آخر عمر همین مصالح فروشی بوده است. آن طور که کاظم اکبرزاده می گوید، هیچ وقت پولی برای نوحه خوانی نگرفته است: پدر به گرفتن اجرت مداحی معتقد نبود. به

بیت (ع) به مردم می گفت، در زندگی خودش هم پیاده کرد. مخلص مخلص بود؛ درست مثل همان چیزی بر زبان می آورد. به عنوان نمونه، با اینکه از نظر مالی مع خوبی داشت، هیچ وقت تجمل گرا نبود و ساده زندگی کرد. عصبانی نمی شد، حتی در زمان هایی که باید در صد عصبانی می شد، خودش را کنترل می کرد. البته شدت دل بزرگی داشت و از همه می گذشت. حتی برخی قات ما بچه ها خرده می گرفتیم و می گفتیم: پدر جان سی در مجلس به شما بی احترامی کرد و حرف ناروایی ولی چیزی نگفتید. از این به بعد در رفت و آمدهایمان با مل کنید. با وجود فشارهای ما، باز هم جوابش یک له بود: «بگذر و صبر داشته باش.»

همین خصلت و آرامش درونی هم داغ فوت برادرم را مل کرد. زمانی که برادرم احمد با داشتن یک دختر



روایت‌هایی از دکتر جعفر نقیبی که همچنان نوغان ۶ با نام او شناخته می‌شود

ماندگار در یادها

هم محلی

قانع از دکتر نقیبی به‌عنوان دکتر افسانه‌ای یاد می‌کند. پزشک عمومی که هر بیماری را با دست سبک‌ساز می‌داد و مردم به او اعتقاد داشتند و حتی برای یک سردرد ساده هم پیش او می‌آمدند. دکتر که به گفته قانع بعد از او مثالش را نمی‌توان پیدا کرد و به وجود هم نخواهد آمد. قانع دلیل این تعریف‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «دکتر نقیبی را نمی‌توان به کسی مانند کرد یا کسی را با او مقایسه کرد. من هیچ‌گاه ندیدم که مریضی از در مطبش گریان و نالان یا ناامید بیرون بیاید. همه را به یک چشم نگاه می‌کرد. فقیر و غنی در طبابت یکی بودند. من خیلی وقت‌ها می‌شنیدم که از نیازمندان هزینه در مان نمی‌گیرد، بلکه هزینه‌های دوا و درمان بیشترشان را نیز می‌دهد. تا زمانی که زنده بود، من ندیدم همانند دکترهای دیگر خودرو و راننده داشته باشد. مغازه من روبه‌روی در مطبش بود و شاید باورتان نشود که بگویم با وجود داشتن ثروت، پیاده می‌آمد و پیاده هم به خانه باز می‌گشت. تا زمانی که پدر و مادرش زنده بودند، همین جازندگی می‌کرد، اما وقتی آن‌ها از دنیا رفتند، خانه‌اش را عوض کرد، اما مطبش را تغییر نداد. چند باری که دلیل ماندگاری‌اش در این محله را پرسیدم، می‌گفت هم او به مردم اینجا عادت کرده است و هم مردم به او. مطبش سر نوغان ۶ بود. ساختمانش هنوز هم هست و خراب نشده است. از همین کوچه به خانه پدری‌اش رفت و آمد می‌کرد و به همین دلیل مردم نام کوچه را دکتر نقیبی گذاشتند.»

● معرکه‌ای بعد از فوت دکتر

قانع از زمان فوت دکتر نقیبی نیز خاطراتی به یاد دارد و تعریف می‌کند: «تار وری که زنده بود نه پشت سر کسی بدگویی کرد و نه کسی پشت سرش بد می‌گفت. از زندگی شخصی‌اش کسی اطلاعی ندارد، چون زیاد اهل حرف زدن و تعریف کردن نبود. بیشتر عصرها از ساعت ۴ تا حدود ۸ شب به مطب می‌آمد و خیلی کم تعطیل می‌کرد. یک روز که در مغازه ایستاده بودم، متوجه شدم که خورشید غروب کرده اما دکتر نقیبی به مطب نیامده است. این آخر عمری خیلی آهسته‌راه می‌رفت. با خود گفته حتماً کاری پیش آمده است، اما دو، سه روز بعدش که قفل در مطب باز نشد، نه تنها من، بلکه سایر همسایه‌ها هم دیگر نگران شده بودند. جست‌وجو کردیم و متوجه شدیم همان روز که دکتر غیبت داشت، فوت کرده است. وقتی اهالی محله متوجه شدند، دم مطبش معرکه‌ای بود. همه ششون وزاری می‌کردند، چراکه دستگیر مردم محله بود و جز خوبی نداشت.»

محله نوغان علاوه بر اینکه اتفاق‌های ریز و درشت زیادی را طی سال‌ها از سر گذرانده است، افراد صاحب‌نام زیادی را نیز به خود دیده است. افرادی چون دکتر نقیبی که مردم به پاس خدمات ارزنده‌ای که به محله نوغان داشته است، کوچه‌ای را به نامش کرده‌اند. نام‌گذاری کوچه و خیابان‌ها در گذشته با مصوبه و تصویب شهرداری و شورا صورت نمی‌گرفته است، اما چون از دل مردم کوچه و بازار برمی‌آمده، ماندگار می‌شده است. یکی از همین کوچه‌هایی که مردم نام‌گذاری کردند و هنوز هم به نام قدیمی آن خوانده می‌شود و به نام آن آدرس داده می‌شود، کوچه ششم نوغان است که به نام دکتر نقیبی است. دکتر محجوب که از خانواده‌ای خوش‌نام در محله نوغان برخاست و در همین خیابان هم طبابت کرد. در این شماره نگاه کوتاهی خواهیم داشت به زندگی این دکتر فرهیخته محله نوغان که قدیمی‌ها می‌گویند «دستش سبک بود.»



● پسر آشیخ نقیبی

جعفر نقیبی یکی از پسران روحانی خوش‌نام محله نوغان بود. مادرش خانه‌دار بود و از نظر کدبانویی برای زنان اهل محل نمونه و الگو بود. پدرش روحانی مسجد تپل محله بود. از همان سنین جوانی که مردم او را در کوچه و خیابان می‌دیدند، بسیار محبوب و سر به زیر بود. وقتی در رشته طبابت قبول شد و در سش را تا گرفتن مدرک ادامه داد، به گفته مردم نه خودش را گرفت و نه سلام کسی را بی جواب گذاشت. قبل از آنکه مدرکش را از دیوار مطبش آویزان کند، مردم او را پسر آشیخ صدا می‌کردند، اما بعدها دیگر او دکتر نقیبی شده بود با یک دنیا احترام و عزتی که مردم محله برایش قائل می‌شدند.

قانع، یکی از قدیمی‌ها و کسبه محله نوغان، این جملات را در وصف جعفر می‌گوید. از کسی که سال‌ها همسایه‌اش بوده و از او خیر و خوبی فراوانی دیده است: «دکتر نقیبی را همه در نوغان می‌شناسند و حتماً برای یک بار هم که شده، سری به مطبش زده‌اند. پدرش روحانی بود و در بین مردم خیلی خوش‌نام و با احترام بود. دکتر نقیبی هم پسر خیلی خوبی بود. من او را از جوانی‌اش به یاد دارم. البته سن من خیلی از او کمتر است. من وقتی شش، هفت سالم بود او جوانی رشید بود که مدرک طبابتش را گرفته بود.»

«
ساختمانی
که دکتر نقیبی
در آن طبابت
می‌کرد و دست
نیازمندان را
می‌گرفت هنوز
در نوغان خراب
نشده است



به دنبال احداث ایستگاه حرم مطهر خط ۳ قطار شهری در ابتدای خیابان شیرازی، تمامی سازه‌های غیر مقاوم این محدوده مقاوم و سبک‌سازی می‌شود. به گزارش شهر آرامحله، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری قطار شهری مشهد با اعلام این خبر بیان کرد که در راستای پیشگیری از هرگونه حادثه ساختمانی‌های دارای اسکلت چوبی و غیرمقاوم اطراف پروژه

احداث خط ۳ قطار شهری در خیابان شیرازی شناسایی شده است تا مقاوم‌سازی آن‌ها صورت بگیرد. به گفته کیانوش کیامرز، سبک‌سازی چند ساختمان از جمله یک مسجد در ابتدای خیابان شیرازی آغاز شده است. گفتنی است؛ در سال گذشته به دنبال گودبرداری پروژه قطار شهری در محله چهارباغ بخشی از کوچه پنجه‌نشست و چندین خانه خسارت جدی دید.

اقدامات شهرداری منطقه ثامن در مقابله با ویروس کرونا همچنان ادامه دارد

ضد عفونی روزانه ۶۰ هزار مترمربع از معابر اطراف حرم

در محله

۵۹

شوشتری

کرونا که جز دشمن جانی نمی‌توان لقب دیگری روی آن گذاشت، این روزها به همه جا سرک کشیده و ردپایی به جا گذاشته است. ردپاهای این ویروس بیشتر در معابر و مکان‌های عمومی دیده می‌شود و اگر با آن مقابله نشود، هر روز ممکن است صدها نفر آلوده کند. در این راستا شهرداری منطقه ثامن از اسفند سال گذشته اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای مختلفی در دستور کار خود قرار داده است که از گندزدایی معابر تا بستن بوستان‌ها، کشیدن نوار خطر روی وسایل بازی و ورزشی پارک‌ها، خط‌کشی ایست مقابل نانوایی‌ها و موارد مشابه را شامل می‌شود. این کارها طبق گفته‌های نعمتی، شهردار منطقه ثامن، ادامه پیدا خواهد کرد تا دیگر خطری مردم را در بیرون از خانه تهدید نکند.



خط‌کشی مقابل ۲۸ نانوایی

آن طور که شهردار منطقه ثامن گفت، بیشتر مکان‌های عمومی در محدوده اطراف حرم مطهر تعطیل است، اما در مکان‌هایی همچون نانوایی‌ها که تعطیلی ندارند، برای رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و جلوگیری از تجمع مردم، خط‌کشی ایست صورت گرفته است.

طبق گفته‌های او، مقابل ۲۸ نانوایی در این محدوده که یکی از مکان‌های پر تردد با امکان بالای شیوع بیماری‌های واگیردار به حساب می‌آید، خط‌کشی شده است.

ضد عفونی روزانه معابر

سید مصطفی نعمتی همچنین از گندزدایی مستمر معابر اطراف حرم مطهر خبر داد و گفت که روزانه ۶۰ هزار متر مربع از این معابر گندزدایی می‌شود.

وی اضافه کرد: با توجه به شرایط موجود، حفظ امنیت جان و سلامتی نیروهای خدوم و پاکبانان زحمت‌کش منطقه از اولویت‌های کاری ماست و به همین منظور تمامی خودروهای خدماتی سبک و سنگین، ابزار آلات و ادوات مورد استفاده کارگران و همچنین محوطه استقرار نیروها به صورت مستمر شست‌و‌شو، گندزدایی و ضد عفونی می‌شود.

به گفته نعمتی، در راستای پیشگیری از انتقال بیماری کرونا در بین پاکبان‌ها و نیروهای فضای سبز شهرداری منطقه ثامن، با همکاری مرکز بهداشت ثامن به چکاپ روزانه، معاینات پزشکی و تب‌سنجی و همچنین توزیع روزانه صدها ماسک، دستکش یکبار مصرف، مواد شست‌و‌شو و ضد عفونی‌کننده و قرص‌های ویتامین دی و مکمل اقدام شده است.

توزیع بسته‌های بهداشتی

شهردار منطقه ثامن که بر تعطیل نشدن اقدامات شهرداری در مدت بروز بیماری کرونا تأکید داشت، به همراهی مردم با این نهاد هم اشاره و بیان کرد: به دنبال فراخوان نیروهای مردمی از سوی اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری

منطقه ثامن، افراد زیادی برای انجام اقدامات داوطلبانه با همکاری شهرداری اعلام آمادگی کردند؛ همچون گروه جهادی مسجد صاحب‌الزمان (عج) و پایگاه بسیج شهید عسکری محله هاتک که بعد از دریافت آموزش‌های لازم، همراه با پاکبان‌های این محدوده کار گندزدایی را انجام دادند.

او به موضوع کمک شهرداری به مردم کم‌توان و سالمندان محدوده اطراف حرم مطهر هم اشاره کرد که بر اساس آن ۵۰۰ بسته اقلام بهداشتی شامل ماسک، دستکش‌های یکبار مصرف، دستمال کاغذی و مواد ضد عفونی‌کننده و همچنین اقلام فرهنگی همچون بازی‌های فکری و کتاب داستان در بین ۵۰۰ خانواده توزیع شده است. این فعالیت‌ها با مشارکت شوراهای اجتماعی محلات و اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ثامن همراه بوده است.

طبق گفته‌های نعمتی، از زمان شیوع کرونا در مشهد ۳۰۰۰ نسخه بروشور آموزشی و ۳۴۰۰۰ پوستر با محتوای بهداشتی و اطلاع‌رسانی تهیه شده و بین واحدهای صنفی، مراکز تجاری، اقامتی و معابر توزیع و نصب شده است.

او به طرح غربالگری هم اشاره کرد که بر اساس آن با کمک بسیج حریم رضوی با مراجعه خانه‌به‌خانه صورت گرفته است.

گفتنی است شهرداری منطقه ثامن از اسفند تا ۱۵ فروردین علاوه بر انجام اقدامات مربوط به پیشگیری و مقابله با کرونا، فعالیت‌های دیگری هم داشته است که نصب و سامان‌دهی ۳۸۸ تابلو و تجهیزات ترافیکی (بشکه‌ضربه‌گیر، میل باتومی، رفلکتور، گل میخ سرامیکی، پایه و سر تابلو انتظامی، سرعت‌گیر لاستیکی و نرده ترافیکی)، رفع نواقص و رنگ‌آمیزی بیش از ۳۰ هزار متر طول از جدول‌های حاشیه معابر و آیلند میانی بولوار و خیابان‌های منتهی به حرم مطهر رضوی، رنگ‌آمیزی تمامی نرده‌های میانی مربوط به مسیر بی‌آرتی و جداکننده‌های مسیر و گارد ریل‌های موجود در خیابان‌های اصلی اطراف حرم رضوی، لکه‌گیری آسفالت و موارد مشابه از جمله آن‌هاست.

آی‌خبیر

۱۰

نگاهی کوتاه به عصارخانه آستان قدس در دوره صفویه

حرم مطهر باروغن کنجد نظافت می‌شد

فریبا شجاع - «عصار» هنوز هم فامیل خیلی از یزدی‌هاست تا نشانی باشد بر پیشینه باروغن‌گیری آن‌ها از دانه‌های گیاهی. این عنوان در قرن‌های گذشته بر خلاف امروز مختص یزدی‌ها نبود، بلکه در سراسر کشور از جمله شهر مشهد نمونه داشت. در این شماره می‌خواهیم با نگاهی به دوره صفویه، از عصار و عصار ی بگویم که کارگاه‌هایش در مشهد فراوان بود و در حرم مطهر اداره داشت تا چراغ‌های حرم بدون روغن نماند.

تشکیل اداره برای روغن‌گیری

در باره اینکه عصارخانه‌ها برای روغن‌گیری کی و چگونه شکل گرفته‌اند، در تاریخ چیزی ثبت نشده است، اما آنچه در قدیمی‌ترین سندهای موجود عصار ی مشهد (سال ۱۰۱۱ هجری قمری) آمده است؛ با توجه به افزایش وقف زمین و مزارع در اوایل دوره صفوی و شکل گرفتن ادارات مختلف و منظم، برای روغن‌گیری هم اداره‌ای شکل گرفت. این اداره با نام عصارخانه در مشهد در آستان قدس رضوی شکل گرفت و ریاستش به خواجه درویش علی عصار سپرده شد. این ریاست شغلی موروثی به حساب می‌آمد. از همین رو بعد از او فرزندان و نوه‌هایش با نام‌های استاد محمد علی عصار، محمد خان عصار، محمد مؤمن عصار، محمد سعید عصار، گدا علی عصار، محمد طاهر عصار و حسن آقا عصار عهده‌دار این مسئولیت شده‌اند.

در آن زمان عصارخانه‌ها بزرگ برای آستان قدس رضوی در زمین‌های وقفی عتیق علی منشی (از بزرگ‌ترین واقفان حرم مطهر) ساخته شد. این ساختمان‌ها به شکل گنبدی و مدور در ۲ طبقه ساخته شدند. طبقه اول محل انبار و گرمخانه برای بودادن دانه‌ها و ساختمان زیرین هم برای گذاشتن دستگاه روغن‌گیری بود. نمونه این عصار ی‌ها هنوز هم در یزد و کم‌وبیش در شهر اصفهان دیده می‌شود. در این محل دانه‌های گیاهی حاصل از مزارع موقوفه که شامل کنجد، کاجیره و کتان می‌شد، روی سنگی مشابه سنگ آسیاب ریخته، و با حرکت شترها و جابه‌جایی سنگ‌ها روغن‌گیری می‌شد. روغن حاصل از این دانه‌ها بعد از تهیه به حرم مطهر منتقل می‌شد و داخل چراغ‌های آن که به بیش از ۱۰۰ نوع از انواع پیسوز سفالی و فلزی، روغن‌دان‌های شیشه‌ای و دیواری می‌رسید، ریخته می‌شد تا شب‌های حرم نورانی شود. البته میزان مصرف روغن برای چراغ‌ها در حرم مطهر به حدی بود که ۲ عصارخانه آن جواب‌گو نبود و برخی از اوقات این روغن از عصار ی‌های بازار مشهد تأمین می‌شد.

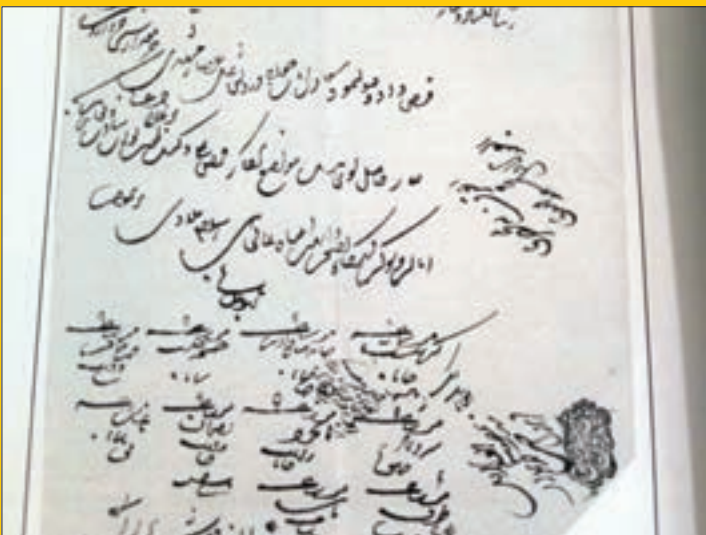
تمیز کردن حرم باروغن

طبق اسناد موجود در آستان قدس رضوی، امور اداره عصارخانه فقط حول محور روغن‌گیری نبود، بلکه این اداره وظیفه داشت از همین دانه‌های مزارع وقفی مواد اولیه رنگ‌آمیزی، صابون‌سازی، تهیه کود زراعی، تأمین غذای دام و نظایف حرم مطهر را نیز آماده سازد.

بر خلاف امروز که شوینده‌ها برای این بردن روغن در راستای تمیز کردن محل چرب‌به‌کار می‌روند، در دوره صفویه از روغن‌های عصارخانه برای نظافت پنجره‌های اماکن متبرکه و پشت‌بام‌های حرم مطهر استفاده می‌شد. بیشتر روغن مصرفی برای تمیز کردن حرم هم روغن کنجد بود.

ادامه وقف‌های مردمی برای روشنایی حرم

در میان پروقف‌ترین موضوعات منتسب به حضرت رضا (ع) در حرم مطهر، می‌توان هزینه کردن برای چراغانی و روشنایی را نام برد؛ موضوعی که نه تنها در گذشته، بلکه امروز هم مردم برای وقف دارایی به آن توجه می‌کنند. از همین رو در گذشته بودجه اداره عصارخانه از محل همین وقف‌ها تأمین می‌شد. بیشتر مبالغ هم از محل اجاره دکان‌های وقفی پایین خیابان، باغ‌عنبر، دروازه پایین خیابان، پیش‌طره دکان‌های بالا خیابان، دکان‌های جنب قهوه‌خانه محمد ابراهیم بیگ علمدار، سمرقند و باغ پایین پای مبارک تأمین می‌شد.



آخرین خبر



۱۱

تعویق در تدوین طرح تفصیلی نهایی نوسازی اطراف حرم

تدوین طرح تفصیلی نهایی نوسازی و بهسازی اطراف حرم مطهر به تعویق افتاد؛ در حالی که پیش تر اعلام شده بود این طرح در اردیبهشت امسال تکمیل می شود.



۱۲

۱۰ هزار تومان جریمه ورود غیرمجاز به طرح ترافیک اطراف حرم

جریمه ورود غیرمجاز به طرح ترافیک اطراف حرم مطهر (هسته مرکزی شهر) از ۲۰ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان افزایش یافت.



۱۳

۲۲۷ نفر در ایام کرونا خون اهدا کردند

طی یک ماه اخیر (۲۰ اسفند ۹۸ تا ۲۰ فروردین امسال) فقط ۲۲۷ نفر در ۳ پایگاه اهدای خون مستقر در اطراف حرم مطهر خونی را اهدا کردند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیامهای ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهر و ندان میتواند مشکلات محله خود را با شمار هتماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

مشکل آب افتادگی

۱۴۴۹ ... ۰۹۳۵: در پهلوار رضوان که سال گذشته توسط شهرداری افتتاح شده است، زمان بارندگی آب فراوانی جمع می شود؛ به این دلیل که دریچه فاضلاب بالاتر از سطح خیابان جاگذاری شده است. از شهرداری درخواست داریم دریچه ها را هم سطح سازی کند تا دیگر آب جمع نشود.

ضرورت اصلاح پیادهروها

مظفری: در خیابان شهید کاشانی متأسفانه سنگ فرش پیادهروها کنده شده است و با هر بارندگی کل آب زیر این سنگ فرش ها جمع می شود و زمان راه رفتن همه آب ها روی کفش و لباس هایمان می باشد. لطفاً دوباره زیر سازی کنید.

سد معبر خودروها در پیادهرو

شاهی: در خیابان دریا دل که به مسیر دوچرخه هم مجهز است، خودروها زمان پارک در عرض پیادهرو پارک می کنند که سد معبری برای دوچرخه سواران است. لطفاً با گذاشتن میله جلو پارک این وسایل را بگیریید.



مردمک

انبار پلاستیک در کانون نشر حقایق اسلامی!

(این ساختمان که روزگاری با حضور مرحوم استاد محمد تقی شریعتی کانون فکر و اندیشه بود، امروز تبدیل به انبار شده است.)

موقعیت تصویر: کوچه مخابرات در محله چهارباغ

۱۴

سنان صفایی

